ویژگی‌های بلاغی *اِنئید* و پیشینهٔ آن در ادب لاتین: بررسی تطبیقی

محمدحسین رمضان‌کیایی[1*]، ایمان منسوب بصیری[2]

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات ایتالیایی، دانشکدهٔ زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری ادبیات ایتالیایی، دانشگاه رم ساپینتزا، رم، ایتالیا

دریافت: ۹۰/۳/۳۱ پذیرش: ۹۰/۱۱/۵

فصلنامهٔ پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی
د۳، ش۴ (پیاپی ۱۲)، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۲۱-۱۳۳

چکیده

اِنئید ویرژیل یکی از شاهکارهای حماسی جهان و بدون شک گران‌قدرترین نمونهٔ حماسهٔ لاتین است. هرچند می‌توان این کتاب را حماسهٔ مصنوع به‌شمار آورد، در این مورد نیز حقیقت با مجاز درمی‌آمیزد و اسطوره‌پردازی شاعر متأثر از وقایع تاریخی ازیادرفته است. نگارنده در مقالهٔ حاضر برآن است که با استفاده از متون حماسی شاعران لاتین پیش از *اِنئید*- که اغلب از سخنوری یونان متأثر بوده‌اند- ویژگی‌های برجستهٔ این کتاب را در حوزهٔ معانی و بیان و بدیع نشان دهد. با توجه به ابیات انگشت‌شماری که از شاعران حماسه‌سرای لاتین پیش از ویرژیل برجای مانده است، نمی‌توان در این باب به سبک شاعران مقدم و بنابراین تأثیرهای بلاغی مجموعهٔ آثار آنان بر ویرژیل پرداخت. تنها راه ممکن، بسنده کردن به ابیات اندک باقی‌مانده و بررسی بلاغی آن‌هاست. ازاین‌رو، در این گفتار پس از بیان شرح‌حال کوتاهی از این شاعران، به ذکر مؤثرترین ویژگی سبکی سخن آنان با توجه به ابیات برجای‌مانده در *اِنئید* می‌پردازیم. شایان ذکر است دستور زبان لاتین کلاسیک که ویرژیل بزرگ‌ترین نمایندهٔ آن در نظم و سیسرون در نثر است، با تمایز آشکار از لاتین عامیانه و باستانی، در شکل‌گیری شیوهٔ بیان و بلاغت *اِنئید* سهم بسیاری دارد.

واژه‌های کلیدی: *اِنئید*، ادوسیا، آنالس، کهن گرایی، حماسهٔ لاتین، ویژگی‌های بلاغی.

---

* نویسندهٔ مسئول مقاله: Email: mkiaei@ut.ac.ir
آدرس مکاتبه: تهران، خیابان کارگر شمالی، بین خیابان پانزدهم و خیابان شانزدهم، دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران، گروه زبان و ادبیات ایتالیایی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-17]

۱. مقدمه

ویرژیل در نگارش ***انئید*** که از برجسته‌ترین نمونه‌های حماسهٔ مصنوع است، از آثار گوناگون بهره گرفته و بسیاری از ویژگی‌های لفظی و معنایی را از آن‌ها اقتباس کرده است. در این میان، تأثیرپذیری این شاعر لاتین از ***ایلیاد*** و ***اودیسهٔ*** هومر بی‌نظیر به‌نظر می‌رسد؛ چنان که شش فصل نخست ***انئید*** ماجراهای اودیسه و شش فصل آخر نبردهای ایلیاد را در ذهن تداعی می‌کند (Perelli, 1994: 19). از سوی دیگر، در داستان‌های عاشقانهٔ ***انئید*** تقلید از وقایع ***آرگوناتیکا***[1] اثر آپولونیوس رودیوس[2] مشهود است. علاوه‌بر این تأثیرها که در حوزهٔ معنایی قابل بررسی است، با توجه به اینکه حماسه‌سرایی پیش از ویرژیل در ادب لاتین نیز سابقه داشته است، با استفاده از بخش‌های برجای مانده از کتاب‌های کهن حماسهٔ لاتین، می‌توان به نفوذ سبک سخن‌سرایی استادان متقدم در ***انئید*** پی برد. اما ویرژیل در شمار شاعران نوپرداز[3] قرار می‌گیرد و بدین‌گونه گاه به‌رغم توجه به سیاق استادان کهن، به نوآوری یا تعدیل سبک آنان دست می‌زند (Quaglia, 1956: 14). این نوآوری‌ها گاه بر اثر قابلیت‌های تازهٔ لاتین که در عصر باستان نبوده است، پدید می‌آید؛ اما در برخی موارد نبوغ ویرژیل ورای معیارهای زبانی است.

کتاب ***انئید*** از همان دورهٔ تألیف، چنان در چشم رومیان عظیم می‌نمود که پروپرتزیوس[4]– شاعر معاصر ویرژیل که از بزرگ‌ترین سخنوران لاتین است– ظهور کتابی بزرگ‌تر از ***ایلیاد*** را به هم‌وطنان خود بشارت داد. سوتونیوس این قطعه را در زندگی‌نامهٔ ویرژیل درج کرده است:

> Cedite Romani scriptores cedite Grai
> nescio quid maius nascitur Iliade (Scarcia, 1987: II, 34, vv. 65-66).

«ای نویسندگان روم، ای یونانیان، کار خود فروهلید که آنچه برتر از ***ایلیاد*** است زاده شد.»

در میان شاعران کهن، سهم سه تن از حماسه‌سرایان بزرگ لاتین که بر ویرژیل تقدم دارند، در پیدایش ویژگی‌های بلاغی ***انئید*** بارزتر است. در اینجا با بحث موجزی درباب حماسهٔ لاتین و با توجه به اندک ابیات برجای مانده، به مهم‌ترین تأثیرهای سبک سخنوری آنان در پیدایش شیوهٔ بلاغی ***انئید*** می‌پردازیم.

پرسش مقالهٔ حاضر، دریافت چگونگی بهره‌وری شاعر طراز اول لاتین، یعنی ویرژیل از

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-17]

سخنوران درجهٔ دوم و کهن آن زبان و بررسی شیوه‌های استحاله و بروز دوباره و نوآیین مضامین، فنون بلاغی و ساختارهای کهن در کسوتی نو در شعر اوست. این مسئله با توجه به ابیات بسیار اندک برجای مانده از سه شاعر باستانی مؤثر بر ویرژیل، از طریق شواهد معدودی و در مقیاس خرد قابل اثبات است؛ اما می‌توان از راه قیاس به میزان واقعی آن تأثیرها در حماسهٔ ***انئید*** پی برد و از سهم عمدهٔ آن‌ها در شکل‌گیری شاهکاری ادبی خبر داد. روش تحقیق در این مقاله، با توجه به بعد زمانی شاعران مورد بحث و کمبود مدارک، بازخوانی تمام متن ***انئید*** و یافتن مشابهت‌های ساختاری و سبکی آشکار آن با آثار سه شاعر بزرگ باستانی لاتین است. بدین‌گونه می‌توان با مشاهدهٔ معلول که در قالب ساختاری ادبی رخ نموده است، به‌سوی علت راه برد و با جست‌وجوی آبشخورهای احتمالی سخن ویرژیل در اندک آثار برجای مانده از سخنوران حماسه‌سرای متقدم، میزان نوآوری او را در بهره‌گیری‌اش از میراث‌های کهن سنجید. بنابراین، فقط موارد و سرفصل‌هایی انتخاب شده‌اند که روابط میان متنی در آن‌ها بسیار آشکار، و دارای نوعی گمان نزدیک به یقین است و کمتر می‌توان در این‌باره به تداعی معانی و توارد قائل شد.

۲. بحث و بررسی

شعر حماسی در ادب کلاسیک غرب خاستگاه یونانی دارد و در بدو امر در این زمینه رومیان را می‌توان پیرو و مقلّد یونانیان دانست. حماسه در روم همراه با تراژدی رشد کرد و در کنار آن تکامل یافت. از دیرباز نزد یونانیان نیز، ارتباط تنگاتنگ تراژدی و حماسه شناخته و مطرح بوده است؛ چنان که ارسطو در کتاب ***فن شاعری*** در فصل بیست و سوم ضمن مقایسهٔ تراژدی و حماسه می‌نویسد:

Περὶ δὲ τῆς διηγηματικῆς καὶ ἐν μέτρῳ μιμητικῆς, ὅτι δεῖ τοὺς μύθους καθάπερ ἐν ταῖς τραγῳδίαις συνιστάναι δραματικοὺς καὶ περὶ μίαν πρᾶξιν ὅλην καὶ τελείαν ἔχουσαν ἀρχὴν καὶ μέσα καὶ τέλος (Paduano, 1998: XXIII).

«سپس دربارهٔ فن روایی که در قالب کلام منظوم به محاکات می‌پردازد، باید گفت که واضح است که روایات آن باید بر اساس همان شیوهٔ تراژدی باشد، یعنی مطابق سیاق دراماتیک و حول عملی واحد و کامل؛ عملی که آغاز، میان و پایان داشته باشد.»

گذشته از درون‌مایه و شیوهٔ پردازش حماسی، رومیان پس از آزمودن قالب عروضی ساتورنوس- چنان که دربارهٔ آندرونیکوس خواهیم گفت- مانند یونانیان به قالب عروضی هگزامتر روی آوردند و توصیهٔ ارسطو را در این مورد نیز به‌کار بستند:

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-17]

Τὸ δὲ μέτρον τὸ ἡρωικὸν ἀπὸ τῆς πείρας ἥρμοκεν. Εἰ γάρ τις ἐν ἄλλῳ τινὶ μέτρῳ διηγηματικὴν μίμησιν ποιοῖτο ἢ ἐν πολλοῖς, ἀπρεπὲς ἂν φαίνοιτο· τὸ γὰρ ἡρωικὸν στασιμώτατον καὶ ὀγκωδέστατον τῶν μέτρων ἐστίν (Ibid).

«در باب عروض شعر حماسی بنابر تجربه، بحر هگزامتر شایان‌تر می‌نماید؛ چرا که محاکات روایی در چند بحر متفاوت یا بحور بسیار دیگر ناخوشایند و نامتناسب به‌نظر می‌رسد؛ بدین‌روی هگزامتر فخیم‌ترین و متعادل‌ترین بحر موجود است.»

هگزامتر قالبی شعری شامل شش گام[۵] اغلب داکتیل[۶] یعنی یک هجای بلند + دو هجای کوتاه است. یک هجای بلند با دو هجای کوتاه قابل تعویض است. به این ترتیب، با توجه به آنکه داکتیل گام آخر مقطوع (شامل دو هجا) است، هگزامتر می‌تواند از دوازده تا هفده هجا داشته باشد. انیوس نخستین بار هگزامتر را که در شعر کهن یونانی سابقهٔ فراوان داشت، به‌طور گسترده در شعر لاتین به‌کار برد و همین موجب رواج این قالب در دوره‌های بعد شد (Riposati, 1980: 38).

در ادب کهن لاتین، حماسه با ترجمه و تقلید از یونان آغاز شد و بعدها در سخن ویرژیل رنگ اصالت یافت. از دو حماسه‌پرداز کهن مقدم بر ویرژیل، یعنی آندرونیکوس و نویوس، به‌ترتیب حدود چهل و شصت بیت ساتورنی آن‌هم از راه نقل سایر سخنوران برجای مانده است و این کار قضاوت را درباب تأثیر آنان بر ویرژیل محدود می‌کند. اما از اندک ابیات برجای مانده شواهدی به‌دست می‌آید که می‌تواند در شناخت ساختار رطوریقایی ***انئید*** مؤثر باشد. ابیات برجای مانده از انیوس، آخرین حماسه‌سرای بزرگ پیش از ویرژیل، به حدود ششصد بیت می‌رسد؛ اما چنان که اشاره خواهد شد، تأثیر او بر ویرژیل با توجه به ابیات باقی‌مانده بیشتر در حوزهٔ معناشناختی است. شرح‌حال و سهم بلاغی سه سخنور کهن لاتین در بافتار ***انئید*** از این قرار است:

۳. تأثیر بلاغی لیویوس بر ویرژیل با توجه به ابیات برجای مانده

نخستین اثر حماسی لاتین که درواقع ترجمه‌ای آزاد از ***ادیسهٔ*** هومر است، ***ادوسیا***[۷] نام دارد. صاحب این کتاب، لیویوس آندرونیکوس،[۸] حدود سال ۲۸۰ق. م در شهر تارانتوم[۹] (در جنوب‌شرقی ایتالیا) زاده شد و در ۲۷۲ق. م به بردگی به رم آمد و پس از مدتی تدریس یونانی و لاتین نزد خاندان اشرافی لیویوس، به پاس این خدمت آزاد شد. از تاریخ وفات او اطلاع چندانی در دست نداریم (Della corte, 1976: 22).

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-17]

آندرونیکوس برای نخستین‌بار متن ***ادیسه*** را با نام ***اودوسیا*** از هگزامترهای یونانی به قالب ساتورنی شعر لاتین ترجمه کرد؛ به‌همین دلیل او را بنیان‌گذار شعر حماسی لاتین می‌خوانند (Ibid: 23). اگرچه ابیات اندکی از این مجموعه باقی است، برخی خصایص سبکی سخن آندرونیکوس از همان ابیات اندک آشکار است؛ ازجمله در بیت آغازین منظومه که تأکید بر کلمهٔ مرد (virum)- که مراد از آن اولیس (ادیسه) است- با مقدم داشتن آن بر سایر اجزای کلام نمایان می‌شود:

Virum mihi, Camena, insece versutum (Ibid: 20).

«ای کامنا برای من از مرد (پهلوان) زیرک (هشیار) بخوان.»

همین شیوه که می‌توان آن را در حوزهٔ فن معانی و در حکم تقدیم مفعول بر تمام اجزای کلام ازجمله منادا و فعل دانست، در بیت آغازین کتاب ***انئید*** به‌چشم می‌آید؛ آنجا که ویرژیل از قهرمان کتاب خود انئاس[۱۰] که از شهر ویران تروپا بیرون آمده است، سخن می‌گوید:

Arma virumque cano, Troiae qui primus ab oris
Italiam, fato profugus, Laviniaque venit (Cetrangolo, 1996: 240).

در این مورد ویرژیل واژهٔ مرد (virum) را بر فعل (cano) مقدم داشته و بر آن تأکید کرده است.

تأکید بر کلمات به شیوه‌ای دیگر در ***اودوسیای*** اندرونیکوس به‌چشم می‌آید و آن، استفاده از کلمات مترادف برای بیان مفهوم واحد است؛ این شیوه نوعی از حشو را در ذهن تداعی می‌کند. برای مثال، آندرونیکوس در بیتی مفهوم سرعت را با دو واژهٔ هم‌معنای topper و citi نشان داده است:

topper citi ad aedis venimus Circae (Della corte, 1976: 24).

این‌گونه تأکیدها در ***انئید*** نیز فراوان مشاهده می‌شود و گاه شاعر از عطف متصل que (معادل واو عطف) برای پیوند دادن دو یا چند واژهٔ مترادف استفاده می‌کند؛ مثال:

Vestibulum ante ipsum primoque in limine Pyrrhus exsultat telis et luce coruscus aena (Cetrangolo, 1996: 312).

در این بیت واژهٔ ante به معنای قبل و primo (با عطف متصل que) در معنا با هم مترادف‌اند و شاعر با استفاده از این دو کلمه مفهوم پیش بودن و تقدم را نشان می‌دهد.

در مجموع، تأثیرپذیری ویرژیل از آندرونیکوس با توجه به ابیات اندکی که از این شاعر در دست داریم، منحصر به تکرار و تأکید در حوزهٔ بدیع و معانی است. از سوی دیگر،

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-17]

آندرونیکوس و ویرژیل به‌لحاظ معناشناسی به‌شدت از ***ادیسهٔ*** هومر متأثر بوده‌اند که این بحث در بلاغت هر دو بروز و ظهور داشته است؛ اما به‌علت از دست رفتن بخش بزرگی از کتاب آندرونیکوس نمی‌توان در حوزهٔ بلاغت شاهدی بر این مدعا ارائه کرد.

۴. کهن‌گرایی در شعر نویوس و تأثیر آن بر ویرژیل

چنان که دیدیم با توجه به اندک شواهد برجای مانده از آندرونیکوس، تأثیر او را بر ویرژیل فقط می‌توان در حوزهٔ محدود تکرار و تأکید نشان داد و قضاوت درباب تأثیرهای معناشناختی او بر ***انئید*** منوط به آگاهی از سایر بخش‌های کتاب ***ادوسیاست***. اما با پیشروی در زمان و رسیدن به عصر نویوس، با توجه به آنکه شواهد برجای مانده از این شاعر باستانی اندکی بیش از آندرونیکوس است، می‌توان نمونه‌های دیگری را از روابط بین‌متنی آثار دو نویسنده نشان داد.

نویسندهٔ متقدم دیگری که در سخنوری ویرژیل تأثیرگذار بوده است، گنوس نویوس[۱۱] نام دارد. نویوس به‌تقریب بین سال‌های ۲۸۵ تا ۲۶۰ق. م در کامپانیا یعنی ناحیه‌ای که ناپل و سالرنو از شهرهای مهم آن‌اند، تولد یافت و در نخستین جنگ کارتاژ (۲۶۴-۲۴۱ق. م) در شمار نیروهای متحد لاتین‌تبار ایتالیا جنگید. نویوس بسیار صریح‌اللهجه بود و در برابر مخالفان بی‌پرده سخن می‌گفت و به همین علت مطابق روایت ژروم (Jerome تلفظ انگلیسی، در ایتالیایی Girolamo و در لاتین Hieronymus) در کتاب ***کرونیکن***[۱۲]، اشراف او را از رم بیرون راندند (Di Sacco, 2001: 74). ژروم درگذشت او را به سال ۲۰۱ در اوتیکا[۱۳] (در تونس فعلی) دانسته است.

مهم‌ترین اثر نویوس که او را در شمار حماسه‌سرایان قرار می‌دهد، کتاب ***جنگ کارتاژ*** یا ***بلوم پونیکوم***[۱۴] است. نویوس در این منظومه داستان نژاد رومی را روایت می‌کند که به یاری خدایان بر اهالی کارتاژ پیروزی می‌یابند و سپاه آنان را درهم می‌کوبند. ***بلوم پونیکوم*** ستایش دلاوری‌های فردی واحد یا فرماندهٔ سپاه نیست؛ بلکه سپاهیان در آن چونان کلی یکپارچه مورد نظرند؛ مجموعه‌ای که اعضای آن سازندهٔ جنگاوری شکست‌ناپذیرند (Ibid: 75).

به‌جز ماهیت این اثر حماسی که بر تفکر ویرژیل مؤثر بوده است، ویژگی‌های سبکی آن نیز در ***انئید*** ظهور دارد. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کهن‌گرایی[۱۵] اشاره کرد. غرابت استعمال

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-17]

و کهن‌گرایی اگر از حد اعتدال فراتر نرود، به بیان حماسی فخامت می‌بخشد و استواری کلام شاعر را دوچندان می‌کند. برای مثال در این نمونه‌ها که از ***جنگ کارتاژ*** نویوس انتخاب شده، کلمات terras و verbenas در حالت اضافی مختوم به as است؛ حال آنکه این ساختار در زمان خود شاعر هم منسوخ بوده و ساختارهای تصریفی دیگر نظیر is برای حالت اضافی رواج داشته است (Alosi, 2001: 35). شاهدمثال ابیاتی است که از طریق روایت پاولوس[۱۶] و پریسچانوس[۱۷] از کتاب ***جنگ کارتاژ*** برجای مانده است:

Scopas atque *verbenas* sagmina sumpserunt**.**
Runcus ac Purpureus filii *Terras* (Della corte, 1976: 24).

ویرژیل نیز کلمهٔ terras را دقیقاً به همان صورت بارها در ***انئید*** به‌کار برده است؛ برای نمونه:

maria ac *terras* caelumque profundum (Quaglia, 1956: 60).
turbabat caelo; nunc *terras* ordine longo (Ibid: 395).
quae mare nunc *terras* que metu caelumque fatigat (Ibid, 280).

این در حالی است که وجه اضافی معمول واژهٔ terra یعنی terrae نزد سایر نویسندگان رایج بوده است؛ ازجمله سیسرون که از نظر زمانی بر ویرژیل مقدم است می‌گوید:

quae et suco *terrae* et calore solis augescens (Powel, 1988: 53).

اما کهن‌گرایی ویرژیل منحصر به استفاده از تصاریف کهن کلمات رایج نیست؛ بلکه گاه او واژگان کهن را با پایانه‌های صرفی رایج به‌کار می‌گیرد. در این حالت پایانه[۱۸] غرابتی ندارد؛ بلکه خود واژه است که قدمت و دیرپایی کلام را نمایان می‌کند. برای مثال، در ابیات ذیل لفظ کهن armipotens به معنای دلاور به‌کار رفته است؛ حال آنکه واژهٔ رایج معادل دلاور در لاتین strenuus است (Badellino, 1966: 1159).

Ipsumque Aeaciden genus *armipotentis* Achillei (Quaglia, 1956: VI, v. 839).
Hic Mars armipotens animum virisque Latinis/ addidit… (Ibid: IX, vv. 717-718).

از دیگر خصایص سبکی‌ای که ویرژیل در کاربرد آن‌ها به کتاب ***جنگ کارتاژ*** نویوس نظر داشته، یکی کاربرد epiteti formulari یعنی صفات و القابی است که در حکم اسم قرار می‌گیرند یا همواره همراه آن ذکر می‌شوند. واژهٔ epiteto برگرفته از epitheton یونانی از ریشهٔ tithenai به معنای برنهاده و برافزوده است (Zanichelli, 2001: 637)؛ ازآن‌رو که epiteto همواره به‌جای نام شخصیت‌های برجستهٔ اثر حماسی نهاده یا بر آن افزوده می‌شود.

سابقهٔ فرمول‌های حماسی در ادبیات کلاسیک غرب به ***ایلیاد*** و ***اودیسه*** بازمی‌گردد؛ چنان

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-17]

که هومر بارها القابی را قرین نام‌های نقش‌آفرینان داستان خود کرده است. رایج‌ترین شیوهٔ کاربرد این القاب، ساختن صفت از نام پدر است؛ برای مثال آشیل بارها پلیادئوس خوانده شده است:

μῆνιν ἄειδε θεὰ Πηληϊάδεω Ἀχιλῆος (Ciani, 2007: I, 1).
«هان ای الههٔ شعر، مرا از آشیل پلیادئوس (فرزند پلئوس) بخوان.»

برای نمونه‌ای از کاربرد این القاب در کتاب نویوس، می‌توان به بیت زیر اشاره کرد که در آن مراد از senex (پیر)، آنکیز (Anchise) پدر انئاس است؛ چرا که او به سال‌خوردگی نام برآورده بود:

senex fretus pietati deum adlocutus (Della corte, 1976: 26).
«پیرمرد (آنکیز) با اعتماد به درستکاری‌اش در برابر خدایان، او را خواند.»

ویرژیل نیز در ***انئید*** در پیروی از این شیوهٔ حماسی کلاسیک، بارها القابی را در وصف قهرمانان یاد کرده است؛ برای مثال لقب pius (صالح، درستکار) در کتاب او به انئاس اختصاص دارد؛ مثال:

Sum *pius* Aeneas, raptos qui ex hoste Penates (Quaglia, 1956: I, v. 378).
quam *pius* Aeneas tibi enim, tibi, maxima Iuno (Ibid: VIII, v. 84).
tum *pius* Aeneas hastam iacit… (Ibid: X, v. 783).

۵. تقلید ویرژیل از انیوس در صناعات لفظی بلاغت

آخرین حماسه‌سرای عصر باستانی لاتین که در شکل‌گیری شیوهٔ بلاغی ویرژیل تأثیرگذار بوده است، کوینتوس انیوس[۱۹] نام دارد. انیوس در کنار نویوس و آندرونیکوس سه ضلع مثلث حماسه‌پردازان کهن لاتین‌اند. درواقع، ایشان با اصالت بخشیدن به فرهنگ لاتین، مقدمات ظهور سخنوری مانند ویرژیل را فراهم آوردند.

انیوس را پدر شعر لاتین نام نهاده‌اند. او در سال ۲۳۹ق. م در Rudiae (ناحیه‌ای میان شهرهای ونوزا[۲۰] و بریندیزی[۲۱]) زاده شد. سوتونیوس[۲۲] او را مانند آندرونیکوس نیمهٔ یونانی[۲۳] خوانده است (Serra, 1990: 1.2). انیوس به سه زبان یونانی، اسک و لاتین سخن می‌گفت. اسک[۲۴] زبان مادری‌اش بود، یونانی را چونان زبان فرهنگ آموخته و با لاتین در جنگ دوم کارتاژ خو کرده بود. او به سال ۲۰۴ق. م به خواست کاتو به رم رفت و در آنجا نخست از راه تدریس روزگار می‌گذارند، سپس با ورود به فن نمایش‌نامه‌نگاری رفته‌رفته بر

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-17]

شهرت خود افزود و چنان آوازه برآورد که مارکوس فولویوس نوبیلیور[۲۵] او را چونان مدح‌پرداز فتوح خود به اردوی نظامی در آمبراکیا[۲۶] برد (Di Sacco, 2001: 168).

انیوس در ۱۶۹ق. م به هنگام جشنواره‌های آپولینر[۲۷] (در بزرگداشت آپولو) که در آن نمایش *Thyestes* او نخستین‌بار اجرا می‌شد، در گذشت. با ظهور انیوس ضلع سوم مثلث حماسه‌سرایان باستانی کامل شد و شعر لاتین از لحاظ ساختار و محتوا ارتقا یافت. از سویی، او چنان که خود گفته، صاحب سه قلب[۲۸] است (Marshall, 1990: 17). سه قلب به سه زبان لاتین، یونانی و اسک اشاره دارد و این موجب می‌شود فرهنگ لاتین در کنار یونانی و اسک بینش و گویش شاعر را تکامل بخشد.

شاهکار انیوس، کتاب شامخ ***آنالس***[۲۹]، شامل وقایع رم و داستان پیدایش آن از ورود انئاس به ایتالیا تا روزگار خود شاعر است. از این کتاب امروز فقط حدود ۶۵۰ بیت به‌جا مانده است. اصل کتاب در قالب هگزامتر در ۱۸ باب و شاید شامل بیش از ۲۰ هزار بیت بوده است (Di Sacco, 2001: 170).

تأثیر ویرژیل از انیوس بیشتر در حوزهٔ معناشناختی است؛ اما سهم بلاغی او را می‌توان چنین خلاصه کرد: انیوس مانند نویوس کهن‌گرایی و غرابت استعمال را در کتاب خود به‌کار بسته است؛ برای مثال کاربرد پایانه‌های تصریفی ai و as در حالت اضافی (چنان که دربارهٔ terras گفتیم) که حتی در زمان شاعر نیز کهنه می‌نمودند، یا کاربرد endo و indu به‌جای in و یا sapsa به‌جای ipsa؛ مثال:

Latos per populos *terras* que poemata nostra (Della corte, 2001: 72).
consilio *indu* foro lato sanctoque senatu (Marshall, 1990: 17).

به‌لحاظ فن بدیع، ویژگی اصیل و صنعت مکرر سخن انیوس در ***آنالس***، هم‌آوایی و واج‌آرایی است؛ برای مثال می‌توان به بیت زیر اشاره کرد که در کتاب‌های تاریخ ادب لاتین بارها دیده می‌شود:

o Tite tute Tati tibi tanta tyranne tulisti.

«هان ای تیتوس تاتیوس تو رنج فراوان بردی.»

این بیت در ضبط والن[۳۰] (1830-1911) به‌گونه‌ای دیگر آمده است:

At Tite Tati tibi tanta, tyranne tulisti (1967: V. 109).

این نوع واج‌آرایی در ***انئید*** ویرژیل نیز بسیار دیده می‌شود؛ ازجمله می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

Ipsa, Iovis rapidum iaculata e nubibus ignem (Quaglia, 1956: I, v. 43).

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-17]

Pygmalionis opes pelago... (Ibid: I, v. 364).
magno cum murmure montis... (Ibid: I, v.55).

علاوه‌بر واج‌آرایی، ویرژیل در نام‌آوایی[۳۱]، یعنی نمایان کردن اصوات برخاسته از طبیعت در زبان، سبک انیوس را درنظر داشته است. انیوس گفته است:

at tuba terribili sonitu *taratantara* dixit (Garbarino, 2001: 165).

در این بیت کلمهٔ taratantara درواقع برای نشان دادن صدای شیپور جعل شده است. ویرژیل نیز در ***انئید*** صدای تاخت و تاز اسبان را چنین به‌گوش می‌رساند:

quadripedante putrem sonitu quatit ungula campum (Quaglia, 1956: VIII, v. 596).

در این مورد تفاوت کار انیوس و ویرژیل در آن است که انیوس از کلمه‌ای نأمانوس و برساخته بهره می‌گیرد؛ اما ویرژیل که در دوران پختگی زبان لاتین به‌سر می‌برد، از کلمات موجود و قوام‌یافته در دل زبان استفاده می‌کند تا ناآشنایی کلمات موجب افول ارزش ادبی متن نشود.

در زمینهٔ واج‌آرایی و نام‌آوایی، اوج تأثیرپذیری ویرژیل از انیوس در کتاب ششم ***انئید*** به‌چشم می‌خورد. در این قطعه شاعر با اندکی تغییر، تصویر انیوس از قطع درختان جنگلی انبوه و پر شاخ و برگ را در کتاب خود بارها نشان داده است. انیوس در توصیف این واقعه می‌گوید:

Incedunt arbusta per alta, securibus caedunt
Percellunt magnas quercus exciditur ilex;
Fraxinus **fr**angitur atque abies consternitur alta
Pinus **p**roceras **p**ervortunt. Omne sonabat
Arbustum **fr**emitu silvai **fr**ondosai (Vahlen, 1967: vv. 187-191).

«در میان شاخ و برگ بلند درختان گام برداشتند و تبرزنان آن شاخه‌ها را فروفکندند، درختان سترگ بلوط را برانداختند و از ریشه برکندند. درخت ون درهم شکست و صنوبر بلند فروافتاد. کاج‌های سرافراخته به خود لرزیدند و هر درختی ارتعاش جنگل انبوه را می‌سرود.»

ویرژیل در نمایش این تصویر از واج‌آرایی انیوس اندکی کاسته و بیشتر بر دقت و فصاحت زبان خود افزوده است:

Itur in antiquam silvam stabula alta ferarum.
Pro**c**umbunt **pic**eae **s**onat i**c**ta **se**curibus ilex.
Fraxineaeque **tr**abes cuneis et **f**issile **r**obu**r.**
Scinditur advolvunt ingentis montibus ornos (Quaglia, 1956: vv. 179-182).

«در بیشه‌ای کهن که جایگاه ژرف ددان بود روان گردیدند. درختان کاج را فروانداختند و بلوط‌های سبز زیر ضربات تبر به صدا درآمدند. گوه تبرها را در شکاف درختان ون نشاندند

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-17]

و آن‌ها را پاره‌پاره ساختند و بلوط‌ها را از فراز کوهساران فروغلتاندند.»

۶. نتیجه‌گیری

کتاب ***انئید*** در پرداخت شیوهٔ بیان و بلاغت علاوه‌بر تأثیرپذیری بسیار از منظومه‌های حماسی یونان، مرهون نویسندگان متقدم لاتین است. آندرونیکوس، نویوس و انیوس که بزرگ‌ترین نمایندگان شعر حماسی لاتین تا زمان ویرژیل‌اند، هریک در شکل‌گیری شیوهٔ بیان ***انئید*** نقش داشته‌اند. در این میان فصل مشترک تأثیر این سه شاعر بر ویرژیل را با توجه به شواهد موجود، می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. کهن‌گرایی: کهن‌گرایی نوعی از غرابت استعمال است و باعث افزایش عظمت کلام حماسی در نزد مخاطبان و فزونی طمطراق و درنتیجه تأثر بیشتر آنان می‌شود. این شیوه از یونان باستان نزد سخنوران شناخته شده بود و حماسه‌پردازان لاتین نیز به آن دست یازیده‌اند.

۲. صنایع لفظی بلاغت: صنایع لفظی بلاغت که در حوزهٔ فن بدیع بررسی می‌شود، باعث آراستگی ظاهر و قالب کلام و دگرگونی در بافتار و لایهٔ بیرونی آن می‌شود. از مهم‌ترین این صنایع در شعر کهن حماسی لاتین می‌توان به واج‌آرایی و نمود اصوات طبیعت در کلام (نام-آوایی) اشاره کرد. واج‌آرایی با توجه به عروض و قالب خاص زبان لاتین- چنان که در شواهد به‌چشم می‌آید- بیشتر در حروف صامت واقع می‌شود و عملکرد آن در جهت تجسم و تأثیر بیشتر سخن است.

۳. تصاریف کهن لغات: زبان لاتین زبانی ترکیبی[۳۲] است که در آن لغات به‌منظور پذیرفتن نقش نحوی به پایانه‌های گوناگون ختم می‌شوند. استفاده از پایانه‌های صرفی باستانی که در زبان عصر شاعر رواجی نداشته‌اند، در جهت ایجاد غرابت استعمال و درنتیجه فزونی فخامت سخن است.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. Apollonius
2. Rhodius
3. poetae novi
4. Propertius
5. pes
6. dactyl
7. Odusia

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-17]

8. Livius Andronicus
9. Taranto
10. Aeneas
11. Gnaeus Naevius
12. *Chronicon*
13. Utica
14. *Bellum Punicum*
15. archaism
16. Paulus
17. Priscianus
18. desinenza
19. Quintus Ennius
20. Venosa
21. Brindisi
22. Suetonius
23. semigraecus
24. oscan
25. Marcus Fulvius Nobilior
26. Ambrachia (Ambracia)
27. Ludi Apollinares
28. tria corda
29. Annales
30. Johannes Vahlen
31. onomatopea
32. sintetico

۸. منابع

- Alosi, Pagliani (2001). *Radices Teoria* (*Theory of Radix*). Torino: Petrini Editore.
- Badellino, Oreste (1966). *Dizionario della lingua latina* (*Dictionary of the Latin Languge*). Torino: Rosenberg.
- Cetrangolo, Enzio (1996). *Virgilio tutte le opere* (*Virgil, all woks*). Milano: Sansoni editore.
- Ciani, Maria G. & Avezzù, Elisa (2007). *Omero*, *Iliade* (*Iliade*). Venezia: Marsilio.
- Della corte, Francesco (1976). *Antologia degli scrittori latini* (*Anthology of Latin*

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-17]

Writers). Torino: Loescer.

- _____ (2001). *Disegno storico* (*Historical Design*). Torino: Loescer.
- Di Sacco, Serio (2001). *Il Mondo latino* (*The Latin World*). Milano: Bruno Mondadori.
- Ennius, J. Vahlen (1967). Ennianae Poesis Reliquiae. Amsterdam: Teubner.
- Garbarino, Giovanna (2001). *Storia e Testi (History and Texts*). Torino: Paravia.
- Marshall, Peter K. (1990). *Gellius, Noctes Atticae.* Oxford: Oxford University Press.
- Paduano, Guido (1998). *Aristotele*, *Poetica* (*Poetics*). Bari: Laterza.
- Perelli, Luciano (1994). *Storia della letteratura latina (History of Latin Literature*). Torino: casa editrice Paravia.
- Powel, Jonathan G. F. (1988). *Cicero*, *Cato Maior De Senectute*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Quaglia, Guglielmo (1956). *Virgilio, Eneide*. *(Aeneid of Virgilio*). Roma: Societa Editrice Dante Alighieri.
- Riposati, Benedetto (1980). *Disegno e testimonianza della cultura* latina (*Design and Testimony of Latin Culture*). Roma: Società editrice Dante Alighieri.
- Sabbadini, R. & L. Castiglioni (1973). *Virgilio, Aeneid* (Aeneid of Virgil). Torino: Loescher.
- Serra, F. (1990). *Suetonius, De Grammaticis et Rhetoribus (Suetonius*, *Rhetoric and Grammar*). Pisa: Casa Editrice Giardini.
- Scarcia, Riccardo (1987). *Properzio*. Milano: Bur Editore.
- Vahlen, Johannes (1967). *Ennianae Poesis Reliquiae*. Amsterdam: Teubner.
- Zanichelli, Nicola (2001). *Vocabolario della Lingua Italiana*. Bologna: Zingarelli.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-17]